

اخبار

آواتار ۲؛ دو میلیاردی شد



فیلم «آواتار: راه آب» با ادامه فروش خود توانست از مرز ۲ میلیارد دلار هم بگذرد.

به گزارش مهر به نقل از آسوشیتدپرس، دنباله‌فیلم «آواتار» (دربوز یکشنبه‌فروش جهانی ۲ میلیارد دلاری را هم پشت سر گذاشت.

جیمز کامرون کارگردان فیلم گفته بود فیلم باید به این مرز برسد تا بشود گفت از نظر سود به مرز مطلوبی رسیده است. این فیلم از اواخر دسامبر و ۱۳ سال پس از آنکه «آواتار» اصلی دنیای پاندورا را ارائه کرد، به یک پدیده جهانی بدل شد.

دیزنی اعلام کرده «آواتار: راه آب» تا یکشنبه ۲۰۲۴ میلیارد دلار در سراسر جهان فروخته است. این فیلم اکنون عنوان ششمین فیلم پرفروش گیشه‌های جهان در تاریخ را در اختیار دارد. تقریباً ۱.۴ میلیارد دلار از فروش فیلم از بازارهای بین‌المللی خارج از آمریکا کسب شده است.

هر چند دیزنی یا کامرون هرگز هزینه دقیق ساخت فیلم را فاش نکرده‌اند اما به گفته هالیوود ریپورتر حداقل ۳۵۰ میلیون دلار برای تولید آن هزینه شده که به جز هزینه‌های فراوان بازاریابی است.

«آواتار» یکی از دستاوردهای بزرگی است که دیزنی با خرید ۷۱ میلیارد دلاری فاکس قرن ۲۱ در سال ۲۰۰۹ به دست آورد.

کار فیلمبرداری سومین فیلم«آواتار»یاکامرون پیشتر و هم‌زمان با فیلم دوم انجام داده و فیلم قرار است دسامبر ۲۰۲۴اکران شود. قسمت‌های چهارم و پنجم هم برای دسامبر ۲۰۲۶ و دسامبر ۲۰۲۸ برنامه‌ریزی شده است.

«آواتار» اصلی مخاطبان را با تصاویر ناورانه خود مسحور کرد. این فیلم که سال ۲۰۰۹ اکران شد در نهایت با فروش ۲.۹ میلیارد دلاری، پرفروش‌ترین فیلم تاریخ است. در «راه آب» سم ورتینگتون و ژوئی سالدانا ۱۰ سال بعد از ماجراهای فیلم نخست بار دیگر در نقش جیک سالی و نیتیری بازگشته‌اند. آنها اکنون پدر و مادر ۵ فرزند هستند و باز با انسان‌هایی که برای پیدا کردن جیک برمی‌گردند مساله دارند. کامرون سازندهٔ ۳ فیلم از ۶ فیلم برتر تمام دوران است که شامل ۲ فیلم «آواتار» و درام «تایتانیک» محصول ۱۹۹۷ می‌شود.

ابوالحسن مختاباد در گذشت



سیدابوالحسن مختاباد (نویسنده، منتقد، پژوهشگر موسیقی و روزنامه‌نگار ایرانی) در ۵۳ سالگی درگذشت.

به گزارش ایلنا، عبدالحسین مختاباد (خواننده برادر و نویسنده و پژوهشگر موسیقی) خبر درگذشت ابوالحسن مختاباد را تایید کرده است. سیدابوالحسن ساکن آمریکا بود و به علت سکته قلبی درگذشت.

ابوالحسن مختاباد سال ۱۳۳۷، به عنوان عضو تحریریه روزنامه همشهری وارد این روزنامه شد و تا همین اواخر در همشهری آنلاین کار می‌کرد. او همچنین مدتی با کتاب هفته،

روزنامه کارگزاران، روزنامه صبح امروز، روزنامه آفتاب امروز (دبیر گروه اندیشه)، خبرنگار گروه موسیقی (سردبیر)، هفته‌نامه آینه (زیر نظر سازمان تأمین اجتماعی به عنوان دبیر گروه ادب و هنر) و انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران (سردبیر سابق) همکاری داشت.

ابوالحسن مختاباد در زمینه نشر هم یادداشت‌ها و نوشته‌هایی داشته است که حاصل آن‌ها در کتابی به نام «نشر و نوشتار» از سوی خانه کتاب ایران به بازار نشر عرضه شد.

به گزارش خبرآنلاین، برای بررسی این مسئله به گفت‌وگو با محمدمتقی فهیم، منتقد سینمایی پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

- چرا ایران از حضور در برلین منع شد؟

◀ به نظر من کاملاً قابل پیش بینی بود که این اتفاق رخ دهد مخصوصاً برای منتقدانی مثل من که سال‌هاست می‌گوییم جشنواره‌ها در غرب درواقع به انتهای خط اند در واقع چون در گرایش هنری خود حرفی برای گفتن ندارند وجه سیاسی این فستیوال‌ها را پررنگ می‌کنند و بیشتر به سیاست می‌پردازند تا هنر. یعنی از بدو شکل‌گیری یک ماجرا، سیاست تمام جزئیات آن را تغییر می‌دهد، منظور ما از سیاست مفهوم این است که اصلی‌ترین گرایش سیاست است که هنر اساساً زیر پرچم سیاست قرار می‌گیرد.

اینکه کارکرد جشنواره تبدیل به حزب می‌شود و کارکرد حزبی پیدا می‌کند. یعنی مانیفست و بیانیه صادر می‌کنند و انرژی احزاب جمع می‌شود و تبدیل به کارکرد احزاب سیاسی می‌شود. جشنواره‌ای مثل برلین، خودشان که هر سال اعلام کردند ما سیاسی هستیم، اما در این شکل افراطی، باعث می‌شود جشنواره از قالب هنری خودش خارج شود و تبدیل به یک تهاجم سیاسی شود. این بخش محل بحث و ایراد است وگرنه من که نمی‌گویم جشنواره سیاسی نباشد، جشنواره فیلم فجر ما هم سیاسی است و اساساً تمام جشنواره‌های دنیا سیاسی هستند. وقتی این موارد تبدیل به اهرم فشار شود، این خود سینمایی‌ها هستند که باید علیه جشنواره‌ها به پا خیزند و آن را کنار بگذارند.

● شما به این اشاره کردید تمام جشنواره‌ها در سراسر دنیا کارکرد سیاسی دارند، اگر قرار است کارکرد سیاسی داشته باشند چه ضرورتی دارد که جشنواره برگزار شود؟

◀ من هم با این موضوع که چه ضرورتی دارد جشنواره برگزار شود کاملاً موافقم، به نظر اگر قرار است این موارد تبدیل به حزب شوند، دیگر نباید نام خود را جشنواره یا این موارد بگذارند، باید بگوید حزب سینمایی‌برلین.

● این مسئله درباره جشنواره فیلم فجر هم صادق است؟

تفاوت فجر با دیگر جشنواره‌ها این است که قدرت آن‌ها را ندارد، می‌خواهد آنگونه باشد، اما تا کنون نتوانسته است، فجر سیاست معکوس دارد یعنی به جای سیاست تهاجمی در ورطه سیاست انفعالی و دفاعی قرار می‌گیرد و در همه سال‌ها هم این‌گونه بوده است به دلیل اینکه می‌خواهد به فیلمسازانی که نگاهشان به جشنواره‌های خارجی است توجه کند و به همین دلیل سراغ فیلم‌های خرده پرتنگ به ظاهر انتقادی می‌رود که باعث می‌شود سینما کم‌کم نفس خودش را از دست بدهد.

● پس با توجه به صحبت‌های شما وقتی امسال همه گفتند جشنواره فیلم فجر سیاسی‌است و باید تحریم شود، حرف اشتباهی نبوده، درست است؟

گفت‌وگو با محمد تقی فهیم درباره عدم حضور ایرانی‌ها در برلین

همه جشنواره‌ها سیاسی‌اند

ماجرا از این قرار است که فستیوال برلین که در میان جشنواره‌های مشهور جهانی مشهور است که گرایش‌های سیاسی بیشتری دارد، حدود سه روز پیش سینمای ایران و بخش‌های دولتی از جمله بنیاد فارابی، همچنین سازمان اوج و حوزه هنری را در کنار خبرنگاران ایرانی تحریم کرد. در واقع جشنواره فیلم برلین در هفتادوسومین دوره خود که از ۱۶ تا ۲۶ فوریه (۲۷ بهمن لغایت ۷ اسفند ۱۴۰۱) برگزار می‌شود، پذیرای کمپانی‌ها، رسانه‌ها و خبرنگاران ایرانی نخواهد بود.



اولا همه نگفتند تعدادی گفتند.

◀ بله، این طبیعی است الان در برلین هم که همه نگفتند تعدادی گفتند و حرفشان را هم به کرسی نشاندند.

مگر من با نظر آن‌ها کاری دارم؟ من به داخلی‌ها می‌گویم شما جشنواره را برگزار کنید و به حرف آن‌ها که جشنواره را تحریم کردند کاری نداشته باشید، چون جشنواره باید برگزار شود. این دو نظر است چون مقصد جداست. ما باید جشنواره را برگزار کنیم

تا در یک سپهر ضد استعماری حرکت کنیم، آن‌ها در مسیری حرکت می‌کنند تا جنبش‌های جهانی را سرکوب کنند.

● **خب** به هر حال حرکت سیاسی است و وقتی ما می‌گوییم فرهنگ باید فارغ از سیاست باشد، یعنی هم در برلین این اتفاق بیفتد هم در فجر اما همه‌جا سایه سیاست دیده می‌شود.

◀ در این بین دو تفاوت وجود دارد، اینکه کدام یک اولویت باشد، به نظر من در جشنواره فیلم فجر، در این میان پرتنگ است سینما است، دیگر چرا باید برای تحریم برلین و اسکار پیش‌قدم شویم؟ و اینکه تحریم ما چه تاثیری در عرصه جهانی دارد؟ شما گفتید ما قدرت آن‌ها را نداریم، پس تحریم کردن یا

باز هم می‌گویم به اینکه نمی‌خواستند جشنواره را سیاسی کنند بلکه مدیرتشان ضعف داشته است. در ایران سیاسیت زیر فرهنگ و سینماست اما در برلین سیاست در راس قرار گرفته است. دولتی بودن جشنواره فیلم فجر نشانه بازز این است که جشنواره سال‌هاست که سیاسی است اما همواره این سینمایی‌ها بودند که حضور پرتنگ‌تری در فجر داشتند.

● چرا ادعا می‌کنید که در فجر سایه سیاست پررنگ نیست؟

◀ اگر مدیریت کشور و سینمایی‌ما قدرت داشتند، اول باید آن‌ها اقدام می‌کردند به جای اینکه برلین اقدام کند، یعنی قاعدتا باید متناسب با گرایشات دیپلماسی مدیریت فارابی و سینمای کشور ما باید برای تحریم برلین اقدام می‌کرد.

● شما گفتید در جشنواره‌های داخلی مانند فجر،

مسئله ما بیشتر سینما است، نه اینکه نخواهند، بلکه مدیرتشان ضعیف است. وقتی می‌گوییم چیزی که در این میان پرتنگ است سینما است، یعنی چرا باید برای تحریم برلین و اسکار پیش‌قدم شویم؟ و اینکه تحریم ما چه تاثیری در عرصه جهانی دارد؟ شما گفتید ما قدرت آن‌ها را نداریم، پس تحریم کردن یا

«خلیج فارس» حتی از نظر این تیم‌به هم «خلیج فارس» است

رومر متنی تاریخی در رد یک ادعا

این روزها دوباره بحث تحریف نام تاریخی «خلیج فارس» به خلیج عربی دوباره سر زبان‌ها افتاده است و دلیل آن هم استفاده از نام تحریف شده توسط مسئولان یکی از کشورهای همسایه (این روزها دوست) است. پیشتر برخی مغرضان ایران و دشمنان تاریخ در سطح منطقه و جهان هم بارها از این نام جعلی استفاده کرده بودند و مدام به پاسخ خود را از علمای تاریخ گرفته بودند. پیشینه تاریخی نام خلیج فارس برکسی پوشیده نیست و متون کهن (حتی اعراب) همگی راوی پیشینه تاریخی این نام هستند. قطعاً اغراض سیاسی نمی‌تواند این نام شکوهمند را تغییر دهد. حتی آن دسته از شخصیت‌هایی که دشمنی با ایرانیان و شیعیان داشتند نیز از نام خلیج فارس یا دریای فارس استفاده کرده و آن را به خلیج عربی تغییر نداده بودند و یکی از این شخصیت‌ها احمد بن عبدالحلیم مشهور به ابن تیمیه حرانی (حیات در قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری) است.

به گزارش مهر، ابن تیمیه، فقیه حنبلی به دلیل فتاوی‌اش و همچنین دشمنی‌اش با اهل بیت (ع) شخصیت مشهوری در طول تاریخ است. فارغ از این مسائل او دانشمند برجسته‌ای در علم منطق و کلام بود و شناخت خوبی از سایر ادیان نیز داشت. ابن تیمیه که می‌توان آغازگر راه سلفی‌گری‌اش دانست در جایی از کتاب «الجواب الصحیح لمن بدل دین المسیح» (پاسخ صحیح به کسانی که دین مسیح (ع) را تغییر دادند) اشاره به خلیج فارس می‌کند. این متن متعلق به پاسخ به قرن هفتم هجری است.

ابن تیمیه این کتاب را در پاسخ به نامه یکی از عالمان مسیحی اهل قبرس نوشته است. آن عالم مسیحی در نامه خود کوشیده بود با استناد به آیات قرآنی و شواهد دیگر نقلی و عقلی، برتری آئین مسیح را بر اسلام نشان دهد. همچنین از نامه‌اش آشکار می‌شد که وی آشنایی خوبی با اسلام و متون آن دارد. ابن تیمیه این فرصت

فرهنگ و هنر

اخبار

محبوب‌ترین نویسندگان بریتانیا



طبق یک بررسی جدید که توسط آمازون انجام شده اسامی ۲۰ نویسنده محبوب بریتانیایی‌ها منتشر شده که چارلز دیکنز دیگر در آن حضور ندارد.

به گزارش آسوشیتدپرس، با شروع سال جدید فهرست‌های متعددی منتشر می‌شود که روشن می‌کند بایدانتظار انتشار چه کتاب‌هایی را داشته باشیم، اما به تازگی یک فهرست جدید نشان داده که در میان همه نویسندگان بریتانیایی، کدامیک از آنها در دل خوانندگان کتاب جایگاه بالاتری دارند.

در این‌مطالعه که توسط آمازون بوکز انجام شده، با یک نظرسنجی روشن کرده جین آستن نویسنده‌ای است که جی‌کی رولینگ، جورج اورول و حتی شکسپیر را شکست داده و جایگاه اول را در میان محبوب‌ترین نویسندگان بریتانیایی از آن خود کرده است.

آستن که سال ۱۷۷۵ در همپشایر متولد شد، ۱۱ ساله بود که شروع به نوشتن شعر و داستان کرد و پیش از اینکه اولین رمانش «مقل و احساس» را در سال ۱۸۱۱ منتشر کند، تجربه‌های زیادی در نوشتن داشت. رمان‌های بعدی وی از جمله «غرور و تعصب»، «نورثنگ ابی»، «منسفیلد پارک»، «اما» و «تربیب» هنوز هم مخاطب هستند.

آستن به دلیل بینش عمیق و طنزآمیز خود در مورد طبیعت انسان محبوب است. خواندن یکی از رمان‌های او به معنای دریافت آموزش در شکل‌گیری شخصیت خوب است و مطالعه دقیق نوشته‌های آستن زیبایی‌های زندگی روزمره را روشن می‌کند و راهنمایی برای داشتن یک زندگی خوب و جدی ارائه می‌دهد.

در این فهرست رولد دال نویسنده محبوب کتاب‌های کودک مانند «ماتیلدا» و «چارلی و قارخانه شکلات‌سازی» به صورت مشترک با ویلیام شکسپیر جایگاه سوم را اشغال کرده است.

جورج اورل خالق کتاب‌هایی چون «مزرعه حیوانات» و «۱۹۸۴» و نیز تالکین خالق «ارباب حلقه‌ها» نیز در این فهرست جای دارند.

با کمال تعجب در این فهرست جای چارلز دیکنز نویسنده کتاب‌هایی چون «اولیور تویست»، «آرزوهای بزرگ» و «اینکلاس نیکی‌الی» خالی است.

مشارکت ادبی آمازون با کمک مالی به سازمان‌هایی که از چهره‌های کمتر شناخته شده حمایت می‌کنند سعی دارد تا صدای چهره‌های جدید را هم به گوش مخاطبان برساند.

این نظرسنجی به صورت تصادفی با بررسی نظرات ۲هزار بریتانیایی درباره محبوب‌ترین نویسنده کشورشان انجام شد.

تر جمه جدید ناخودآگاه سیاسی منتشر شد



کتاب «ناخودآگاه سیاسی؛ روایت در مقام کنش نمادین اجتماعی» اثر فردریک جیمسون بزودی با ترجمه شایور بهیان منتشر نی منتشر و راهی بازار نشر می‌شود.

به گزارش مهر، سال گذشته این کتاب با ترجمه حسین صافی از سوی نشر نیماژ منتشر شده‌بود. جیمسون، متفکر مارکسیست برجسته آمریکایی و یکی از بزرگان اندیشه پسا مدرن است. «ناخودآگاه سیاسی» یکی از مهم‌ترین آثار جیمسون و اثری بینارشته‌ای در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و مارکسیسم، روانکاوی، ادبیات و مطالعات فرهنگی محسوب می‌شود.

جیمسون این کتاب را برای نخستین بار به سال ۱۹۸۱ منتشر کرد، البته نه به‌قصد مشارکت

ر اندیشه‌بازار نظریه‌ورزی (شبه) انتقادی، بلکه اتفاقاً به‌قصد ایراد فرانقدی مارکسیستی بر تفکدهای موجود، در جهت برگزشتن از این تفکدها. این متفکر برجسته آمریکایی در ناخودآگاه سیاسی بار دیگر بر جدایی ادبیات از سیاست خط بطلان می‌کشد و پیوندهای آفرینش ادبی را با بستر سیاسی‌اش از نو به‌نحوی بدیع برقرار می‌کند. جیمسون در این کتاب بر اولویت تفسیر سیاسی متن‌های ادبی پای می‌فشارد. به عقیده او، تفسیر سیاسی در حکم تکمله یا ابزاری کمکی برای روش‌های مرسوم تفسیر نیست، بلکه در کانون درک ما از متن ادبی جای دارد. مفهوم «ناخودآگاه سیاسی» چارچوبی برای همین درک از آفرینش ادبی و تفسیر آن فراهم می‌کند، مفهومی که ریشه‌هایش را در برداشت فروید از تحقق آرزو به‌عنوان عملی جبرانی و کارکرد روایت در تحلیل لوی‌استروس از «تفکر وحشی» می‌توان یافت.

جیمسون به کمک منابع خود می‌کوشد این فرضیه را بیروورد که آثار ادبی را می‌توان راحل‌هایی نمادین برای بن‌بست‌ها و معضلات اجتماعی واقعی دانست که تنها به نحوی ناخودآگاه احساس می‌شوند. در این میان وظیفه منتقد این است که اسباب بازسازی از مسائل و تناقض‌های واقعی را فراهم کند که متن در مقام کلی پرترش آن‌ها را به درون بافت خود می‌کشد.



ملات گچ ساخته شده است.
دالان‌های طواف و پیرامون چهارتاقی سراسر ویران شده و هم‌اینک تنها پی آن برجای مانده است. راه ورودی بنا درگوشه شمالی جای دارد که بازمانده‌های آن نمایان است. این چهارتاقی بزرگ، میدانی به اندازه ۲۲ در ۲۲ متر را در برمی‌گیرد. دیوار جانبی گوشهٔ شرقی و غربی بنا، سالم است، اما چهار ستون آتشکده آسیب دیده است. نقشهٔ این سازه مربع‌شکل است که با بهره‌گیری از گوشواره، پلان مربع تبدیل به دایره شده است.